



انتشارات تهران

زنی با همه حرف هایش

هنگامه درخشان

نشر تهران با همکاری نشر آما

بر روی جلد و صفحه آرا: کیمیا شریف

چاپ اول، ۵۰۰ نسخه، ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۱-۵۳

تهران، خیابان پاسداران، چهارراه پاسداران، شماره ۵۱۴- صندوق پستی: ۴۸۷-۱۹۵۸۵

تلفن‌های انتشارات: ۰۶۹۹، ۱۱۷۶۰۶۹۸، ۰۲۷۱، ۲۲۵۴۵۲۱۹، تلفکس: ۲۲۵۶۹۸۰۱

تلفن‌های مرکز پخش: ۰۶۹۵۹۹۵۸، ۰۶۶۹۷۴۱۰

کلیه حقوق چاپ و نشر برای انتشارات تهران محفوظ است.

سرشناسه: درخشان، هنگامه، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور: زنی با همه حرف‌هایش/هنگامه درخشان.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات تهران: آما، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۳۴ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۱-۵۳-۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان دیگر: زنی با تمام حرف‌هایش.

عنوان دیگر: زنی با تمام حرف‌هایش.

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry -- 20th century

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷/۳۲۶۴۹/PIR۸۳۴۳

رده بندی دیویی: ۸۱۱/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۳۳۴۴۳

قیمت: ۲۱۹۰۰ تومان

فهرست

این روزها گرفتارم، خیلی زیاد	۴۲	بیا برای این فاصله ها	۹
همین دیروز، به خودم گفتم	۴۳	دلم می خواهد، تمام جمعه ها	۱۰
تهران شهر بزرگی است	۴۴	همیشه یک جایی هست...	۱۱
اردیبهشت برای بهار	۴۵	گاهی در انتخاب رنگ لباسم	۱۲
چقدر دلم می خواهد	۴۶	نزدیکتر بیا...	۱۳
نمی شود که نباشی	۴۷	دنیا جای مزخرفی است	۱۴
می گویند این کوچه	۴۸	از میان تمام دریچه ها	۱۵
دو سه روز بود	۴۹	آتش نشان تنها بود	۱۶
قدری صبور باش	۵۰	کدام گوشه ی این آوار	۱۷
بیا اینقدر به رفت و آمد فصل ها...	۵۱	دلم آوار می خواهد	۱۸
دلم می خواهد، مرداد	۵۲	این روزها	۱۹
کودکان و کار	۵۳	دنیا	۲۰
به گل ها آب بده	۵۴	سرشید	۲۱
روزگار	۵۵	ای کاش این خانه وان نداشت	۲۲
دیگر به عشق قسم نمی خورم	۵۶	مهم نیست	۲۳
من که خوب می دانم	۵۷	آتش زدی	۲۴
خیال تو،	۵۸	این همان دریاسالار	۲۵
یست نفر اول را نمی شناسم	۵۹	ترانه های	۲۶
هزار و یک پیامبر آمدند	۶۰	دلم می خواهد، امروز	۲۷
کودکان بسیاری را می شناسم	۶۱	زمستان	۲۸
نگاه کن، به یاد خودم می اندازد	۶۲	بگذار من فقط عاشقانه بنویسم	۲۹
بیا زودتر رجوع کنیم	۶۳	جنگ بزرگ	۳۰
یک نفر به من برگرد	۶۴	جنگ زخمی می شود	۳۱
بچگی، یک حوبی بزرگ دارد:	۶۵	برای خودم کیک تولد خریده ام	۳۲
بیا فصل ها را،	۶۶	فروردین	۳۳
راست می گویی	۶۷	همه جا لاله کاشته اند	۳۴
کولبر شده ایم	۶۸	اگر سال فصل دیگری داشت	۳۵
غم...	۶۹	قرار ما، باز	۳۶
این همان بادهادکی است	۷۰	دخترم، من که گفتم	۳۷
سانچی	۷۱	تولد من روز دیگری است	۳۸
نذر کرده ام	۷۲	بهار	۳۹
آسمان، بعضی وقت ها	۷۳	کسی چه می داند	۴۰
هر شب که به خانه می روم	۷۴	برایم چتر بیاور	۴۱

- ۱۰۸ گاهی
 ۱۰۹ فروغ...منم
 ۱۱۰ اصلاح حال دلم اینجا
 ۱۱۱ به تماشای رنگها
 ۱۱۲ هوا سرد و بارانی است
 ۱۱۳ مادرم همیشه می گفت
 ۱۱۴ این روزها
 ۱۱۵ دنیا پر از آدم هایی است
 ۱۱۶ عمیق
 ۱۱۷ باورت می کنم
 ۱۱۸ نه سلامی
 ۱۱۹ همیشه با آمدن
 ۱۲۰ شناسنامه ام را به آوار سپردم
 ۱۲۱ نشسته ام برای خودم
 ۱۲۲ بگذرم
 ۱۲۳ گاهی
 ۱۲۴ دوستت دارم
 ۱۲۵ دریا... دریا
 ۱۲۶ برگ های کوچه را جمع کرده اند
 ۱۲۷ این نیامده
 ۱۲۸ ادامه فل
 ۱۲۹ به خاستر حشمانت قسم
 ۱۳۰ نمی شود که نباشی
 ۱۳۱ تابستان
 ۱۳۲ بودند
 ۱۳۳ باران
 ۱۳۴ دلم شهریوری است
 ۱۳۵ پرسیدی کی؟
 ۱۳۶ آدم ها
- ۷۵ من فقط، رفته بودم
 ۷۶ دندانپزشک شده بودم
 ۷۷ قاصدک، گاهی کنار خیابان
 ۷۸ ای کاش در این روزهای سرد
 ۷۹ هوا همیشه سرد نیست
 ۸۰ بیا بیشتر با هم حرف بزنیم
 ۸۱ هی نقشه می کشم
 ۸۲ آسمان
 ۸۳ عفرین نام رودی ست
 ۸۴ ترین...یک واژه ی پارسی است
 ۸۵ به سر نمی دانستم
 ۸۶ پشت سرم
 ۸۷ در سال های بعد توام
 ۸۸ به جایزه های بزرگ کمر می بستم
 ۸۹ گفتند هوا سرد بود
 ۹۰ عقربه های ساعت
 ۹۱ باشد، هر چه تو بگو
 ۹۲ پاییز تمام شد
 ۹۳ سال هاست که به تماشای دریا نرفته ام
 ۹۴ بنویس برف
 ۹۵ زن ها عادت عجیبی دارند
 ۹۶ نمی دانم
 ۹۷ انگار این هیچ ها دهان باز کرده اند
 ۹۸ تازه می خواستم
 ۹۹ شب های زیادی
 ۱۰۰ روزهای تعطیل خواب می چسبید
 ۱۰۱ همه چیز مجانی بود
 ۱۰۲ شرمندۀ ات شدم
 ۱۰۳ آوارها را کنار زده اند
 ۱۰۴ فروردین بود
 ۱۰۵ به چشمانم نگاه کن
 ۱۰۶ می خواهم برای این
 ۱۰۷ با رفتنت